



حسن نینیایه

تصویرات شیرین در عرصه فرهنگ

بهانه‌ای برای ارزیابی روند تحولات هنر متعهد

انواع هنرها برای ایجاد نشاط و دردمندی نسبت به مسائل جامعه، به درون دانشگاه‌ها راه باید، بازار بزرگ دیگری برای رونق هنر متعهد گشوده خواهد شد.

تصور بفرمایید، اگر مدیران ارشد و نخبگان مشارکت‌کننده در شیوه اداره کشور، فرهنگ غلط موجود را کنه برای حل هر معضل اجتماعی، بلافاصله به‌سرّاع وضع قوانین جدید و پیش‌بینی انواع مجازات‌ها یا مشوق‌های اقتصادی می‌روند، کنار بگذارند و متوجه شوند بخش مهمی از معضلات کشور را باید از رهگذر انجام فعالیت‌های فرهنگی و با بهره‌گیری از انگیزه‌های درونی انسان‌ها برطرف کرد. در این صورت، بسیاری از مدیرانی که در بخش‌های اقتصادی، قضائی، نظامی، انتظامی و سایر بخش‌ها، مشغول برنامه‌ریزی و فعالیت هستند به‌جای پی‌گیری وضع قانون یا اصلاح آن‌ها، لاقلاً در کنار آن اقدامات، در جست‌وجوی فهرستی از اقدامات فرهنگ‌ساز برمی‌آیند و در چنین شرایطی به‌طور طبیعی تقاضایی گسترده برای عرضه آثار هنری که بتواند مشکل‌گشای آن‌ها باشد به‌وجود می‌آید.

تصور بفرمایید، به‌جای آن‌که زمانی که درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز به اتمام رسید و مدیران آن زمان گله‌مند شدند که چرا مدیران گذشته که منابع کافی و فرصت مناسب در اختیار داشتند به فکرشان نرسید که با اعمال مدیریت صحیح از مزیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران، استفاده کنند و با تولید و فروش آثار فرهنگی و هنری به بازارهای کشورهای اسلامی، آسیایی، اروپایی، هم‌چون کشورهای مشابه در جهان، بخش مهمی از درآمدهای ارزی خود را از رهگذر تولید آثار فرهنگی و هنری به‌دست آورند، امروز این بیداری سراسر مدیران فرهنگی بیاید و راه‌برد تزریق یارانه‌ها به موارد خاص و هنرمندان خاص، به راه‌برد گسترش زیرساخت‌های توسعه هنر متعهد برای پاسخ‌گویی به بازارهای داخلی و بازارهای بیرونی تبدیل شود، چه تقاضای مؤثری برای هنر متعهد شکل می‌گیرد.

تصور بفرمایید اگر در کشور ما، مرکزی برای مدیریت راه‌بردی فرهنگ شکل می‌گرفت و همانند دولت‌ها که هفته‌ای دو جلسه در هر جلسه چهار ساعت، بحث جدی پیرامون مسائل اقتصادی، سیاسی و مدیریتی دارند، در آن مرکز نیز، لاقلاً هفته‌ای چهار ساعت مدیران ارشد دستگاه‌های اصلی و مؤثر در تغییرات فرهنگی

برای ارزیابی روند تحولات هنر متعهد در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ابتدا باید تعریف روشنی از هنر متعهد داشت. منظور از هنر متعهد، اثری است که خالق آن تلاش می‌کند با بهره‌گیری از هنر و خلاقیت خویش، مسأله‌ای از مسائل جامعه را موضوع اثر خویش قرار دهد و از این رهگذر، گامی در اصلاح جامعه خویش یا فراتر از آن برای جامعه بشری بردارد. رونق جریان هنر متعهد همانند هر عرصه دیگری دو وجه عرضه و تقاضا دارد، گرچه در فضای گفتمان کشور ما، به‌واسطه یارانه‌هایی که دولت‌ها برای حمایت از گسترش هنر متعهد می‌پردازند، همواره مسائل و مشکلات فراراه «عرضه» این‌گونه آثار موضوع بحث است، اما می‌توان از زاویه تحلیل شرایط حاکم بر تقاضای این آثار نیز، به مسأله توجه نمود و به راه‌کارهای تازه‌ای رسید، چرا که اگر تقاضایی هدفمند و گسترده در سطوح مختلف جامعه برای استفاده از هنر متعهد وجود نداشته باشد، تزریق یارانه‌ها، نه تنها کمک‌کننده نیست که خود منشاء ایجاد انواع نارسایی‌ها و کاستی‌ها در این عرصه خواهد بود.

برای درک اهمیت بحث، می‌توان مروری داشت به واقعیت‌های تلخ و شیرین موجود در عرصه‌های مختلف فرهنگی، و نسبت آن با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در عرصه هنر متعهد. تصور بفرمایید، اگر برخلاف وضع موجود که به‌واسطه حاکمیت مطلق آموزش و فراموشی مسأله اصلی تربیت در اکثریت مدارس کشور، هیچ تقاضایی برای بهره‌گیری از هنر نیست، روزی برسد که رسالت اصلی نظام تعلیم و تربیت کشور احیاء شود و محیط مدارس محیطی باشد برای رشد روحیه علم‌طلبی، خلاقیت‌های مختلف و مرکزی باشد برای اصلاح فرهنگ جامعه. در چنین شرایطی بازاری به گستره ۱۴۰ هزار مدرسه برای بهره‌گیری از هنر متعهد برای ایجاد نشاط و پویایی علمی به‌وجود می‌آید و از ظرفیت هنر برای ارتقاء کیفیت آموزش‌ها و روش‌های تربیتی استفاده می‌شود.

تصور بفرمایید، اگر روند تحول در دانشگاه‌های کشور آغاز شود و فضای دریافت محفوظات برای گذران سریع واحدها و گرفتن مدرک به مرکزی برای رشد علمی، پژوهشی و تحقیق پیرامون مسائل مختلف جامعه و زمینه‌سازی برای آماده‌سازی جوانان برای مشارکت در سازندگی کشور، تبدیل شود و موضوع بهره‌گیری از



هنر متعهد، اثری است که خالق آن تلاش می‌کند با بهره‌گیری از هنر و خلاقیت خویش، مسأله‌ای از مسائل جامعه را موضوع اثر خویش قرار دهد و از این رهگذر، گامی در اصلاح جامعه خویش یا فراتر از آن برای جامعه بشری بردارد

کشور، گرد هم می‌آیند و پیرامون مسائل کلان فرهنگی به بحث و گفت‌وگوی جدی و مؤثر می‌پردازند و در چند جلسه اول روی تعاریف و مفاهیم اصلی مثل فرهنگ، مدیریت فرهنگی، نحوه مطلوب مداخله حکومت‌ها در فرهنگ، تأثیرات عمل کرده‌های مختلف حکومت‌ها در فرهنگ و غیره به یک تفاهم و هم‌فکری می‌رسند و در ادامه تلاش می‌کنند، تصور روشنی از مسائل فرهنگی کشور پیدا کنند و به‌جای بحث پیرامون فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، ابتدا بررسی کنند، مسائل اصلی فرهنگ چیست، از حاصل همه این فعالیت‌ها، امروز در شاخص‌های مختلف فرهنگ اعتقادی، فرهنگ رفتاری و اخلاقی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، در چه نقطه‌های هستیم؟ و مهم‌تر از آن در ده سال اخیر چه روندی را طی کرده‌ایم؟

احتمال این که در درون این مباحث، توجه شیویم که در طول سی سال گذشته، چه اشتباهاتی مرتکب شده‌ایم وجود دارد، مثلاً شاید متوجه شویم که:

یکی از اشتباهات ما این بوده است، که فکر کرده‌ایم با انتصاب مدیران متدین در رأس دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی به تدریج کارکرد این سازمان‌ها اصلاح می‌شود، اما به‌دلیل نشناختن ماهیت فرهنگ، نشناختن کارکرد سازمان‌های بزرگ بوروکراتیک، نشناختن تأثیرات ساختارهای اقتصادی و سیاسی روی عمل کرد دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی، نتوانستیم شاهد اصلاح آن‌ها باشیم. تا این که بعد از ۲۹ سال هشدارهای بی‌در پی مقام معظم رهبری، ایشان ناچار شدند، اعلام کنند نظام‌های آموزشی موجود نیازمند تحول بنیادین هستند، و کل مدیریت فرهنگی جامعه نیازمند «مهندسی فرهنگی» است، یعنی از دید معظم‌له، کلیت و شیوه مدیریت در حوزه فرهنگ باید بازنگری و اصلاح شود.

یکی دیگر از اشتباهات ما این بوده است، که هم مدیران، هم روحانیان، هم افراد متدین فعال در نهادهای مردمی، فکر کردند حال که حکومت دینی شده، رادیو و تلویزیون در اختیار خودمان است و مدارس در اختیار افراد متدین است، دیگر نیازی به استمرار فعالیت‌های نهادهای اصیل گذشته نیست و به‌جای توسعه، بازسازی و متناسب‌سازی مستاجد، حسینیه‌ها، هیأت‌ها، جلسات مذهبی خانگی با نیازهای امروز و فردای خودمان، همگی نسبت به آن‌ها بی‌توجه شدیم و کار به جایی رسید که در حکومت دینی که همه چیز در اختیار خودمان بوده است، اولین مشکل‌مان کمبود روحانی برای اعزام به مزارکری است که نیازمند عالم دینی هستند.

و حال که چشم‌انداز ده‌سال آینده را مورد بحث قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم که یک حالت خطرناک قابل تصور این است، که ظرف چند سال آینده بخش اعظم افراد جامعه ما، به‌جای مراجعه به شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی داخلی، برای ارضاء حس کنجکاوی و سایر نیازهای درونی و بیرونی خویش به شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی دشمنان انقلاب و اسلام مراجعه کنند و ما به‌دلیل محدودیت‌های شرعی و عرفی نتوانیم با آن‌ها رقابت کنیم و علی‌رغم بهره‌گیری از همه توان علمی و فنی از جهت مبارزه فنی‌ها نیز، متوجه شیویم از این طریق هم نمی‌توانیم، نفوذ آن‌ها را در جامعه کاهش دهیم و در چنین شرایطی، یکی از راه‌حل‌های اساسی که به فکرمان می‌رسد، بازگشت به احیاء و بازسازی نهادهای اصیل گذشته باشد، اما مشاهده کنیم که

بسیاری از فرصت‌ها را از دست داده‌ایم و اگر فکری اساسی و فوری صورت نگیرد، دشمنان استعمار درونی، جامعه ایران را متلاشی و کلیت انقلاب اسلامی را هدف قرار خواهد داد.

اشتباه دیگر این که، به‌دلیل نشناختن ماهیت فرهنگ و فرهنگ‌سازی، علی‌رغم هشدارهای مکرر حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، مدیران اجرایی متوجه نشدند که اگر به‌موازات اصلاح سازمان‌های فرهنگی و آموزشی، عمل کرد فرهنگی کارکردهای سیاسی، اقتصادی، قضایی و... را اصلاح نکنیم، به‌واسطه وارداتی بودن این الگوها، جامعه از جهت فرهنگی بر تضاد می‌شود، همان‌طور که شده است. برای مثال به این هشدار مقام معظم رهبری توجه کنید: «ارتباط فرهنگ و مهندسی کشورها، نظام‌ها، سازمان‌ها، علوم و فن‌آوری و مصنوعات، نیز از همین دست است. کشور، نظام، سازمان، علم و فن‌آوری و مصنوعی که مبتنی بر فرهنگ ماتریالیسم سکولار مهندسی شده است، نمی‌تواند بار فرهنگی الهی را منتقل نماید، بلکه همان فرهنگ ماتریالیسم سکولار را باز تولید خواهد کرد»

خلاصه این که، همان‌طور که از این تصورات شیرین و اشتباهات تلخ برداشت می‌کنید، دو روی کرد برای توسعه و تقویت هنر متعهد قابل تصور است، یک روی کرد ناقص و پراکنده، ادامه وضع موجود، یعنی بهره‌گیری از ضعف مدیریت راه‌بردی فرهنگ و چانه‌زنی برای افزایش بودجه‌های دولتی در بخش فرهنگ و توزیع آن بین تعداد محدودی از هنرمندان که به لحاظ فکری به ما نزدیک‌ترند، برای رونق هنر متعهد و روی کرد دیگر، بنداری مدیران اجرایی و اعمال مدیریت راه‌بردی در فرهنگ و ایجاد تقاضاهای گسترده برای هنرمندان متعهدی است که توان تولید آثار مشکل‌گشای شرایط امروز و فردا را دارند.

بدیهی است که این روی کرد، بسیاری از ناسامانی‌ها و گله‌مندی‌های وضع موجود را کاهش داده و زمینه سربلندی و آزادگی ذاتی که هنرمندان اصیل به‌دنبال آن هستند را فراهم می‌سازد، چرا که دیگر متقاضی اثر او تنها چند مدیر دولتی نیستند، که براساس سلیقه خویش بخواهند روی آثار هنری ارزش‌گذاری کنند، بلکه بازاری به گستردگی همه فطرت‌های پاک در ایران و در آینده جهان، متقاضی آثار آن‌ها خواهد بود، همان‌طور که در بخش‌هایی از سیمای ایران شاهد آن هستیم.

آری با چنین تحولی در فضای فرهنگی و هنری کشور است که با عملی شدن این «تصورات شیرین» قاعده‌های بزرگ در بازار هنر متعهد و کاربردی شکل می‌گیرد و به‌دلیل بزرگی و سلامت بازار هنر متعهد، از درون آن، تک آثار فاخر و ماندگار در تاریخ خلق و عرضه می‌شود، و آزادی، سربلندی و کرامت هنرمندان ما، بیش از پیش تقویت می‌شود.

ان شاءالله

۱- سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولان آموزش و پرورش

کشور در سال ۸۶

۲- سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب

فرهنگی در سال ۸۴ و ۸۶

هم مدیران، هم روحانیان، هم افراد متدین فعال در نهادهای مردمی، فکر کردند حال که حکومت دینی شده، رادیو و تلویزیون در اختیار خودمان است و مدارس در اختیار افراد متدین است، دیگر نیازی به استمرار فعالیت‌های نهادهای اصیل گذشته نیست